

## همشهریان گرامی!

عزیزی بانک افتخار دارد که به سلسله نو آوری های پیم در عرصه بانکداری اینبار محصول جدید خویش را با ویژگی های خاص به شما معرفی میکند. حساب ویژه برای شرکت ها، حساب پی انداز برای بزرگسالان، حساب پی انداز برای کودکان؛  
عزیزی بانک تنها بانک است که در تمام سنین و موقعیت های شغلی به شما می اندیشد.



www.azizibank.af

1515

## با توقف دزدان به پشتواره حق مردم وطن را نجات دهیم



احمدولی مسعود

ورزشکاران بگذرانند، روزگارش سیاه و روزگار مردمش سیاه تر می شود. وی در وحشت داریم بسر می برد، همواره از درد و رنج متشنج است. در نتیجه کسب قدرت، هرروز بیش از پیش حسودتر، ستمگرتر، بی کس تر و خدا شناس تر و مشوق و مروج بدبختی های مردم می گردد. در روشنی این آموزه ماندگار تاریخ، به خوبی می توان به چرایی و چگونگی وضعیت بد امروز کشور و بدبختی مردم پی برد. مردمی که هر روز با صد دلهره و اضطراب بلند می شوند تا برای لقمه نانی سرگردان بیرون شوند، وقتی هم اگر به خانواده برگردند، داستان شان بجز افسردگی شهر چیزی نیست. شب و روز انتظار بسر رسیدن یأس و دیدن بارقه امید دارند. اما این ستمگران تاریخ، آخرین و یگانه...

در کتاب جمهوری افلاطون آمده است: «آن مرد استبداد صفت که از حکومت بالای خود عاجز است، به جای اینکه دور از سیاست در انزوا به سر برد، آهنگ حکومت بر دیگران می کند و اگر به حکم تقدیر یا به اثر تصادف سوء به زمامداری مطلق برسد، مثال بیمار ناتوان زمینگیری را می ماند که به جای خانه نشین بودن، عمر خود را به حکم اجبار در میدان کشتی گیری و مسابقه با

ادامه صفحه ۶



# بازار پُر رونق فروش شناسنامه ها

صفحه ۳

طالب مسلح از شب گذشته به این طرف ولسوالی اجرستان را محاصره کرده اند. آقای رحمانی گفت که جنگ ولسوالی اجرستان در واقع جنگ میان دو قبیله طرفدار دولت و طرفدار طالبان است که طرفداران طالبان ولسوالی را محاصره کرده اند. نمایندگان غزنی تاکید کردند که از شب گذشته...



## هشدار از سقوط ولسوالی اجرستان غزنی

### نماینده گان: مردم قتل عام می شوند

نماینده گان غزنی در مجلس می گویند که ولسوالی اجرستان این ولایت در محاصره طالبان قرار گرفته و اگر به صورت فوری کمک رسانی نشود، احتمال سقوط آن وجود دارد. شاه گل رضایی نماینده مردم غزنی در نشست عمومی روز شنبه (۲۹ ثور) مجلس گفت که طالبان مسلح روز گذشته ولسوالی اجرستان غزنی را محاصره کرده و این وضعیت امروز نیز ادامه دارد.

خانم رضایی گفت که نیروهای محلی خواستار انجام حملات هوایی شده؛ اما وزارت دفاع تا هنوز به این درخواست آنان پاسخ نداده اند. به گفته او، اگر مقام های مرکزی

## نگرانی سازمان گزارشگران بدون مرز از تهدیدات علیه خبرنگاران افغانستان



سازمان گزارشگران بدون مرز «آر.اس.اف» از افزایش خشونت علیه خبرنگاران و رسانه ها ابراز نگرانی کرده می گوید که در کم تر از سه سال، ۳۶ خبرنگار در افغانستان کشته شده اند.

این سازمان با نشر خبرنامه یی گفته است که از ۱۱ جدی سال ۱۳۹۵ خورشیدی تا اکنون ۳۶ خبرنگار و کارمند رسانه ها در حمله های متعدد طالبان و گروه داعش در افغانستان کشته شده اند.

تنها در یک روز (۱۰ ثور سال جاری خورشیدی) ۹ خبرنگار در دو حمله انتحاری در کابل و یک خبرنگار در ولایت خوست از سوی مهاجمان مسلح ناشناس کشته شدند. همچنین در ۵ ثور یک خبرنگار در ولایت قندهار کشته شد.

این در حالیست که در سه انفجار پیم حوالی ساعت ۱۱:۳۰ شب گذشته در هنگام مسابقات کرکت در میدان ورزشی شهر جلال آباد، ولایت ننگرهار دو خبرنگار مجروح شدند. سازمان خبرنگاران...

ادامه صفحه ۶



صفحه ۶  
حملات مرگبار  
بر میدان کرکت در ننگرهار



صفحه ۳  
تا تحقق کامل حقوق  
مردم فلسطین در کنارشان می مانیم



صفحه ۶  
له پاکستان سره د عمل په پلان  
کې حساس موارد ځای پرځای شوي

احمد عمران

# سفر غنی به ترکیه چه دستاوردی داشت؟



اسلامی به عنوان بخشی از این جهان به نوبه خود قابل توجه است و باید افغانستان در این راستا گام بردارد، اما نکته این جاست که داشتن نقش با حضور نمادین و تشریفاتی کاملاً متفاوت است.

افغانستان در حالی می‌خواهد حملات به غزه را محکوم کند که با طرف اصلی جنگ غزه که بدون تردید ترامپ و دارودسته‌اش است، روابط استراتژیک و راهبردی دارد و همین حالا آقای غنی به کمک سربازان و پول‌های آمریکا بر کشور حکومت می‌کند. آیا آقای غنی این توانایی و جرأت را دارد که سیاست‌های آمریکا در فلسطین و اسرائیل را نکوهش کند و به این کشور از عواقب آن هشدار بدهد؟ آقای غنی با چه پیامی به این کنفرانس رفته است؟ بیانیه آقای غنی در نشست کشورهای همکاری‌های اسلامی، خنثاترین سخنرانی ممکن بود. او هیچ اشاره‌ای به عوامل و ریشه‌های مشکل فلسطین نکرد و حتی حاضر نشد یک بار هم از سیاست‌های آمریکا و اداره ترامپ در مسایل منطقه انتقاد کند. حداقل رییس جمهوری پیشین کشور این جرأت و شهامت را گاه‌گاهی از خود بروز می‌داد که سیاست‌های آمریکا را به باد نقد بگیرد و حداقل به صورت ظاهری هم که شده، از این کشور شکایت کند. اما آقای غنی که بودن خود بر کرسی حکومت را پیش از آن و بیش از آن که مدیون مردم افغانستان باشد، مدیون حاتم‌بخشی‌های کاخ سفید است، چگونه می‌تواند علیه سیاست‌های این کشور در منطقه قرار بگیرد؟! برای آقای غنی ابرومندانه‌تر آن بود که به جای شرکت در چنین نشستی، در کشورش باقی می‌ماند و به وضعیت در حال وخامت افغانستان می‌اندیشید تا این که با مصارف گزاف به کشور ترکیه برود و در نشستی شرکت کند که خود نمی‌داند هدف آن چیست و چگونه موضعی باید بگیرد.

تصمیمی می‌تواند در درازمدت مشکلات منطقه‌ی فراوانی را به وجود آورد و درگیری‌های تازه‌ی را در این منطقه متشنج از جهان رقم زند.

دونالد ترامپ به صورت سرسام‌آور در حال اتخاذ برخی تصمیم‌هاست که می‌تواند اثرهای ناگواری روی کشورهای جهان بگذارد و باعث شود که جهان ما پس از چند دهه توقف جنگ سرد، وارد جنگ سرد تازه‌ی شود. نشانه‌های این جنگ همین اکنون در مناسبات روسیه و آمریکا به مشاهده می‌رسد. در همین حال، ترکیه نیز که عضو پیمان اتلانتیک شمالی ناتو است، در حال دوری گزیدن از این پیمان است و احتمال دارد که در ماه‌های آینده با تغییر موضع به جای این که در پیمان اتلانتیک شمالی باقی بماند، در کنار روسیه علیه آمریکا قرار بگیرد.

در جهانی که به صورت کم‌سابقه به سمت تنش‌های سیاسی و منطقه‌ی حرکت کرده است، هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد. اما از این‌ها که بگذریم، اشرف غنی رییس حکومت وحدت ملی به محض دعوت از سوی ترکیه، به این کشور برای شرکت در نشست کشورهای همکاری‌های اسلامی رفت تا موضع خود را در رابطه با مسایل فلسطین به سمع و نظر جهان برساند؛ آن‌هم در زمانی که افغانستان در آتش خون و باروت می‌سوزد و گروه‌های دهشت‌افکن به صورت وحشیانه به شهرها و ولسوالی‌ها یورش می‌برند. در هفده سال گذشته، وضعیت امنیتی کشور تا این اندازه به وخامت نگراییده بود. به نظر می‌رسد که حکومت وحدت ملی خلاف وعده‌هایش نه تنها موفق به تأمین صلح و امنیت کشور نشده، بل همان آرامش نسبی زمان کرزئی را نیز به شدت خدشه‌دار کرده است. آیا در چنین وضع و حالی، حضور رییس حکومت در یک نشست منطقه‌ی می‌تواند مفید باشد؟

در این جای شک نیست که داشتن نقش و سهم در مسایل کشورهای

در این که غزه در آتش کوردلی و تعصب می‌سوزد و این درد جانکاه را هر وجدان بیدار این جهان حس می‌کند، شک و شبه‌ی وجود ندارد. اسرائیل به صورت وحشیانه به این منطقه فلسطین نشین حمله کرده و به بهانه این که افراد حماس در این منطقه حضور دارند، دست به قتل عام مسلمانان غزه زده است. جهان عرب در حالی که خاموشانه از کنار این حادثه تلخ می‌گذشت، ترکیه میزبان نشست فوق‌العاده کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی شد. آجندای این نشست که با شرکت مقام‌های بلندپایه ۵۷ کشور اسلامی برگزار شد، بحث بر سر مسایل فلسطین و به طور خاص، غزه اعلام شده است.

با آن که طیب رجب اردوغان بسیار تلاش می‌کند که به عنوان یک مقام معتبر یک کشور اسلامی نقش بازاری در حل مشکلات مسلمانان جهان داشته باشد، ولی آن‌چه که در اجلاس همکاری‌های اسلامی گذشت، در مقایسه با نشست سازمان حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنیو، آن‌قدر پُرنرنگ نبود. شاید بخشی از مشکل اجلاس ترکیه، بی‌تفاوتی موجود در میان شماری از کشورهای اسلامی نسبت به مسایل فلسطین باشد، اما در همان زمانی که اجلاس همکاری‌های اسلامی در ترکیه برگزار می‌شد، در ژنیو سازمان حقوق بشر سازمان ملل با نكوهش اقدام ظالمانه اسرائیل آن را یک جنایت ضد بشری و قابل پیگرد اعلام کرد.

حملات اسرائیل دقیقاً زمانی علیه مسلمانان فلسطین شدت گرفته که آمریکا در یک اقدام غیرمترقبه سفارت خود را به بیت‌المقدس منتقل کرده است. این اقدام با واکنش کشورهای زیادی مواجه شده ولی آمریکا به صورت قلدرانه تأکید می‌ورزد که بیت‌المقدس را پایتخت اسرائیل می‌شناسد. حالا به تبع آمریکا، یک تعداد از کشورهای دیگر نیز در حال انتقال سفارت‌خانه‌های خود به بیت‌المقدس اند. بدون شک چنین

## سخن ماندگار

### سایه نزع هویتها بر جنگ با تروریسم

این روزها بدون آوردن دلیل و مدعا، همه می‌دانند که وضعیت افغانستان آشوب‌زده و دلهره‌آور است. غایله توزیع شناس‌نامه‌های برقی، برگزاری انتخابات پارلمانی با چراها و تردیدهای فراوان و ناامنی‌ها در چهارگوشه کشور، چیزهایی نیستند که بتوان آن‌ها را پنهان یا توجیه کرد. چند روز پیش، فراه شاهد سخت‌ترین نبردها میان حکومت و تروریست‌ها بود که بر اثر آن، شمار نامعلومی از نیروهای دولتی به شهادت رسیدند. در تازه‌ترین مورد، دو شب پیش بر اثر سه انفجار پی‌هم در ورزشگاه کریکت در شهر جلال‌آباد، بیش از ۵۰ نفر کشته و زخمی شده‌اند. در پهلوی این موارد، مسلماً حوادث و رویدادهای تروریستی زیادی نیز در جنوب و شمال و شرق و غرب افغانستان هستند که اگرچه از پوشش خبری بازمی‌مانند اما آثار و مصیبت‌های آن بر زنده‌گی مردم پابرجاست.

جنگ و ناامنی اگرچه یکی از ملموس‌ترین مشکلات کشور به شمار می‌آید، اما مسلماً یگانه‌مشکل و مهم‌ترین آن به حساب نمی‌آید. آن‌چه که این روزها می‌توان آن را خطری مهم‌تر از جنگ طالبان یا داعش علیه حکومت و مردم افغانستان به شمار آورد، شکل‌گیری نزع هویتی در کشور از رأس هرم قدرت تا پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت جنگ فیزیکی با تروریست‌ها که از بیرون مرزهای ما تجهیز و تقویت می‌شوند را می‌توان به پیروزی رساند البته اگر صفوف خودی و مرز میان دوست و دشمن تثبیت و مستحکم شده باشد؛ اما اگر به نزع تباری و هویتی دچار شویم، حتی اگر هیچ نیروی تروریستی‌یی در مقابل ما قرار نداشته باشد، همچنان محکوم به شکست و فروپاشی هستیم!

رویدادهایی همانند فراه و جلال‌آباد به‌وضوح نشان می‌دهند درحالی‌که دشمنان از بیرون مرزها با اجیر و ابزار ساختن کسانی به نام طالب و داعش نقشه نابودی و ویرانی افغانستان را دارند، حکومت به‌اصطلاح وحدت ملی در داخل، اقوام مختلف کشور را در آتش هویت با هم درگیر می‌سازد و حتی خیال دارد از این طریق برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده توشه برچیند و بقای خود را ضمانت کند. کارگزاران وضعیت موجود به‌ویژه شخص آقای غنی گمان کرده که با توزیع ولو نیم‌بند و ناکام شناس‌نامه‌های برقی و واکنش‌ها له و علیه آن، می‌توانند صفوف انتخاباتی را به نفع خود تنظیم و ترتیب کنند؛ اما بی‌خبر از این که آن‌هایی که داعش را در لغمان و ننگرهار و طالب را در نیمروز و فراه تجهیز و تقویت می‌کنند، اصلاً با بازی انتخاباتی هیچ کدام از آن‌ها هم‌داستان نیستند و فقط می‌خواهند نظم و نظام نسبی موجود در افغانستان را از هم بپاشانند. برای آن‌ها سید سلما و پروژه تاپی و در نهایت، استقرار ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی در همسایه‌گی‌شان یک دغدغه و تهدید است؛ از همین رهگذر می‌کوشند که اوضاع را چنان بحرانی سازند که هیچ برنامه ثبات‌بخشی از جمله انتخابات سالم و شفاف، قابلیت تدویر و برگزاری نیابد.

آن‌هایی که دو شب پیش، ورزش کاران و ورزش‌دوستان در شهر جلال‌آباد را هدف قرار دادند و آن‌هایی که در فراه نیروهای امنیتی را به شهادت رساندند، ابتدا پروای چگونگی توزیع شناس‌نامه‌های برقی را ندارند که مثلاً با درج و اطلاق تحمیلی واژه افغان بر همه‌گان، دست از ترور و آدم‌کشی بردارند و به صف مصالحه و کارزار سیاسی انتخابات بیوندند. آن‌ها فقط در برابر نان و فرمانی که از بیرون می‌گیرند، می‌جنگند و خون می‌ریزانند.

آقای غنی و حلقه پیرامون آن باید درک کنند که در چنین میدانی قرار گرفته‌اند و هر بازی خامی که به سود خود در انتخابات به‌راه بیندازند، ممکن است به‌جای پیروزی در انتخابات، تمام هست و بود افغانستان را بسوزانند.

جنگ هویت‌ها در کشور به‌راحتی می‌تواند جنگ با تروریسم را متأثر، سُست یا متوقف سازد. توزیع غیرقانونی شناس‌نامه‌های برقی و سیاسی ساختن بحث هویت و انتخابات، نقطه‌ی پُرنرنگ برای آغاز جنگ هویت‌ها در افغانستان است؛ جنگی که اگر مشتعل شود، جنگ با تروریسم را به فراموشی می‌برد. آیا آقای غنی به این بخش از داستان فکر کرده است؟



**افغانستان در نشست ویژه سازمان همکاری کشورهای اسلامی مطرح کرد:**

## تا تحقق کامل حقوق مردم فلسطین در کنارشان میمانیم

بهزاد

مردم فلسطین و نیز اعزام نیروهای صلح بین‌المللی به آن منطقه شدند. در بیانیه سازمان همکاری کشورهای اسلامی از رژیم اسرائیل به عنوان «نیروی اشغال‌گر» و «مقتدر اصلی» جان باختن بیش از ۶۰ تن و زخمی شدن بیش از ۲۷۰۰ تن از غیرنظامیان فلسطینی در خلال رخدادهای روز ۱۴ می یاد شده است.

در بیانیه از ارکان‌های اصلی سازمان ملل از جمله شورای امنیت سازمان ملل، دبیری کل، مجمع عمومی، شورای حقوق بشر، کمیسیاری عالی حقوق بشر و دیدبانان ویژه خواسته شد تا فوراً برای تشکیل یک کمیته بررسی برای رسیدگی به موارد ذکر شده در بیانیه فراخوانده اقدام کنند. در بخشی از این بیانیه، سران کشورهای اسلامی انتقال سفارتخانه گوتالاما به قدس در پیرو اقدام امریکا را محکوم و اعلام کردند که برای جلوگیری از این نوع اقدامات، تدابیر اقتصادی و سیاسی و سایر موارد مشابه اتخاذ خواهد شد.

انتقال مردم فلسطین، در کنار آنان خواهد ماند. نشست ویژه سازمان همکاری کشورهای اسلامی پس از آن برگزار شد که هفته گذشته، ایالات متحده امریکا سفارت آن کشور را از تل‌آبیت به شهر بیت‌المقدس انتقال داد و در اعتراض مردم فلسطین به این اقدام امریکا، ده‌ها تن از اعتراض‌کنندگان از سوی رژیم اسرائیل کشته و زخمی شدند. گفتنی است که کشورهای سازمان همکاری اسلامی در پایان آن نشست طی یک بیانیه‌ی ۳۰ ماده‌ی، خواستار حفاظت بین‌المللی از

است. آقای ربانی کشته شدن مردم فلسطین از سوی رژیم اسرائیل را «غیر عقلانی و خشونت‌آمیز» خواند و گفت: «افغانستان اقدام غیر قابل توجیه و استفاده از زور و شدت عمل و همچنین کشتار معترضان فلسطینی از سوی نیروهای رژیم اسرائیل را با شدیدترین الفاظ ممکن، محکوم می‌کند». وزیر امور خارجه کشور با بیان این که مردم افغانستان با هم‌پسته‌گی از مردم فلسطین پشتیبانی همه‌جانبه می‌کند، اظهار داشت که افغانستان تا «تحقق کامل حقوق غیر قابل

خشونت منجر به ایجاد بی‌پروایی شده است و بی‌باوری نسبت به آینده و جهتی که جهان به سوی آن در حرکت است، بر شرایط حاضر سایه افکنده است. محمدشرف غنی در آن نشست هم‌چنان گفته است: خلایقی که بین ارزش‌های حقوق بشر و حقوق سیاسی، عدالت و انصاف به ویژه در جهان اسلام ایجاد شده، موجب افزایش بی‌اعتمادی به توانایی نهادهای بین‌المللی برای تحقق صلح و ثبات گردیده است.

رئیس حکومت وحدت ملی گفت که جهان اسلام با یک «بحران تفاهم و همکاری» مواجه هست که منتج به اتخاذ راه‌های حل «باخت-باخت» به جای راه‌های حل «برد-برد» برای شان می‌شود.

محمدشرف غنی در آن نشست به «ایجاد چارچوب جهت دستیابی به ثبات سیاسی، ایجاد یک مکانیزم همکاری دولت با دولت میان کشورهای همسایه‌ی که در آن‌ها انگیزه شامل شدن در جنگ‌های نیابتی و ایجاد قلمروهای نفوذ عوامل جنگ و منازعه وجود دارد» نیز تأکید کرده است.

به گفته رئیس حکومت وحدت ملی، باید از نمونه‌های موفق «همکاری منطقه‌ی» از طریق توافق روی «تقویت ظرفیت سازمان همکاری‌های اسلامی» استفاده شود.

او این سازمان را «بستری برای بحث روی چالش‌های جمعی و میکانیزم صلح‌سازی بین کشورهای عضو» خواند و گفت: «ما در یک برهه تاریخی زنده‌گی می‌کنیم که مملو از خطر و فرصت است و رهبری و مدیریت درست در چنین شرایطی، می‌تواند سبب ایجاد تغییرات مثبت گردد.

در سوی دیگر، صلاح‌الدین ربانی، وزیر خارجه کشور که در آن نشست اشتراک و سخنرانی کرد، گفت: جمع شدن ما در اینجا نشان دهنده نگرانی جمعی ما از عمل خشونت‌آمیز و قابل توبیخی است که رژیم اسرائیل بر ضد مردم فلسطین مرتکب شده

محمدشرف غنی، رئیس حکومت وحدت ملی در نشست ویژه سران سازمان همکاری کشورهای اسلامی در ترکیه گفت که باید برای تشریح اسلام به عنوان یک تمدن و فرهنگ عظیم برای نسل‌های جوان مسلمان تصویر کلی ارائه شود.

محمدشرف غنی در آن نشست با اشاره به نیاز شکل‌گیری گفتمان میان تمدن اسلام و دیگر تمدن‌ها گفت که برای رسیده‌گی به مسأله فلسطین و جست‌وجوی راه‌های حل پایدار به منازعه بین اسرائیل و اعراب، باید کوشش‌های دوام‌دار و مستمر صورت گیرد. هم‌زمان با این، صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجه کشور در آن نشست گفت که تا تحقق کامل حقوق «غیر قابل انتقال» مردم فلسطین، در کنار شان می‌مانیم.

بربنیاد خبرنامه ارگ ریاست جمهوری، رئیس حکومت وحدت ملی به اشتراک‌کننده‌گان آن نشست گفته است، به رغم آن‌که در هفته‌های گذشته، شهروندان زیادی در افغانستان شهید شده‌اند، اما او به نماینده‌گی از مردم افغانستان از بهر غم‌شریکی با مردم فلسطین در آن نشست اشتراک کرده است.

آقای غنی افزوده است: «رنج و درد مردم فلسطین ما را به این‌جا کشانیده است. آن‌ها از ما تنها همدردی نمی‌خواهند، بلکه خواستار حمایت ما هستند تا زنده‌گی با عزت شان برگردد».

رئیس حکومت وحدت ملی با اشاره به این‌که کشورهای اسلامی در یک برهه «تراژید» گردهم آمده‌اند، اظهار داشته است که غیرنظامیان فلسطینی به خاطر داشتن حقوق اساسی سیاسی و بشری، می‌میرند. او بیان داشت: بی‌عدالتی که بر مردم فلسطین تحمیل می‌شود، تکرار خشونت و تبعیض است که در برابر یهودیان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در اروپای شرقی و غربی صورت گرفته است. به باور محمدشرف غنی، اندازه و تداوم

# بازار پر رونق فروش شناسنامه‌ها

کابلی تذکره‌ام را سه هزار افغانی می‌فروشم و برای رمضان خرج می‌خرم؛ اما در وقت رای‌دهی سه هزار نمی‌فروشم، حتماً آن وقت قیمت‌ها بالا می‌رود و پول خوبی به دست می‌آورم. این سخنان جاوید باشند شهر کابل است که در یکی از مراکز ثبت نام آمده تا ثبت نام کرده و کاپی تذکره استیکردار خود را به یکی از کاندیدان که به قول خودش پسر یکی از قوماندانان معروف است، بفروشد. این روزها و پس از اعلام ثبت نام رای‌دهنده‌گان و زمان نزدیک شدن ثبت نام کاندیدان که شنبه هفته آینده ۵ جوز/ خرداد آغاز خواهد شد، بازار فروش تذکره‌های استیکردار (برچسپ‌دار) بسیار گرم و پر رونق شده و کاندیدان حاضرند برای خرید هر تذکره ۲ تا ۳ و حتی ۵ هزار افغانی پرداخت کنند. اما در بازار شلوغ فروش تذکره‌های برچسپ‌دار

کابلی تذکره‌ام را سه هزار افغانی می‌فروشم و برای رمضان خرج می‌خرم؛ اما در وقت رای‌دهی سه هزار نمی‌فروشم، حتماً آن وقت قیمت‌ها بالا می‌رود و پول خوبی به دست می‌آورم. این سخنان جاوید باشند شهر کابل است که در یکی از مراکز ثبت نام آمده تا ثبت نام کرده و کاپی تذکره استیکردار خود را به یکی از کاندیدان که به قول خودش پسر یکی از قوماندانان معروف است، بفروشد. این روزها و پس از اعلام ثبت نام رای‌دهنده‌گان و زمان نزدیک شدن ثبت نام کاندیدان که شنبه هفته آینده ۵ جوز/ خرداد آغاز خواهد شد، بازار فروش تذکره‌های استیکردار (برچسپ‌دار) بسیار گرم و پر رونق شده و کاندیدان حاضرند برای خرید هر تذکره ۲ تا ۳ و حتی ۵ هزار افغانی پرداخت کنند. اما در بازار شلوغ فروش تذکره‌های برچسپ‌دار

## ناجیه نوری

بود؛ گفت: من، دختر، پسر و شوهرم چهار نفر می‌شویم، سه نفر ما پول می‌گیریم و یک نفر ما هم برنج این‌طوری هم خرج عید مان می‌براید و هم خرج رمضان ما.

و اما در این میان، بعضی از کاندیدان برای دریافت تذکره‌های استیکردار (برچسپ‌دار) افراد معتاد و گداهای خیابانی را جمع کرده و در بدل مواد مخدر، نان چاشت و یا مقدار بسیار ناچیز پول تذکره‌های آنان را دریافت می‌کنند.

این درحالی‌ست که حقوق‌دانان می‌گویند: طبق قانون مدنی کشور افراد معتاد و مفلس حق رای دادن و شرکت در ثبت نام رای‌دهنده‌گان را ندارند، چیزی که کمیسیون انتخابات آن را رد می‌کند.

باین حال گفته می‌شود که بعضی از کاندیدان افرادی را از ولایت به کابل می‌آورند و آنان را در مراکز ثبت نام برده ثبت کرده و سپس تذکره آنان را در بدل پول بسیار ناچیز و یا هم در بدل چند وعده غذا از آنان می‌گیرد.

و اما این بی‌اعتمادی نسبت به پارلمان افغانستان از کجا نشأت گرفت؟

زمانی که هریار پس از استیضاح و صندوق گذاشتن به وزیر ناکارایی حکومت، این وزرا در بدل دادن پول گزاف به وکلا، موفق شدند دوباره ابقاء شوند، زمانی که ناکارترین وزیر معرفی شده از سوی حکومت در بدل دادن پول، بالاترین رای را گرفت، زمانی که در برابر خویش‌خوری و قوم‌پرستی حکومت غنی، وکلا مهر سکوت بر لب گذاشتند، زمانی که هیچ جای افغانستان برای مردم امن باقی نماند و هر روز مردم شاهد انتحار، انفجار و کشته شدن فرزندان‌شان در میدان‌های نبرد با طالبان هستند؛ اما رئیس امنیت پس از چند بار استیضاح دوباره ابقاء شده و موفق شد تا به کارش ادامه بدهد و در نهایت زمانی که در برابر هویت اقوام مختلف افغانستان، کمیسیون مختلف هردو مجلس سکوت کرد، دیگر مردم نسبت به پارلمان که خود به آن رای داده بودند، بی‌اعتماد شدند و اکنون اکثریت مردم حاضر نیستند برای حضور در انتخابات ثبت نام کنند؛ اما کاندیدان به اصطلاح پول‌دار، فرزندان قوماندانان، رهبران جهادی و تاجران که علاقمند حضور در پارلمان اند، از مردم خواستند که بروند ثبت نام کنند و تذکره استیکردار خود را به آنان بفروشند و براساس گزارش که ما تهیه کردیم در نهایت تا اندازه موفق هم شدند.

نبی که باشند خیرخانه است به روزنامه ماندگار می‌گوید: یک نفر از منطقه ما کاندید است که برای هر کسی که تذکره استیکردار (برچسپ‌دار) را به او بدهد، یا ۲۵۰۰ افغانی و یا هم یک بوجی برنج «سیله اول» را می‌دهد.

نبی گفت: من و اعضای فامیل‌ام که هشت نفر می‌شویم، رفتیم ثبت نام کردیم و تذکره خود را به همین نفر دادیم و پولش را گرفتیم و در زمان انتخابات هم برای دادن رای پول خواهیم گرفت.

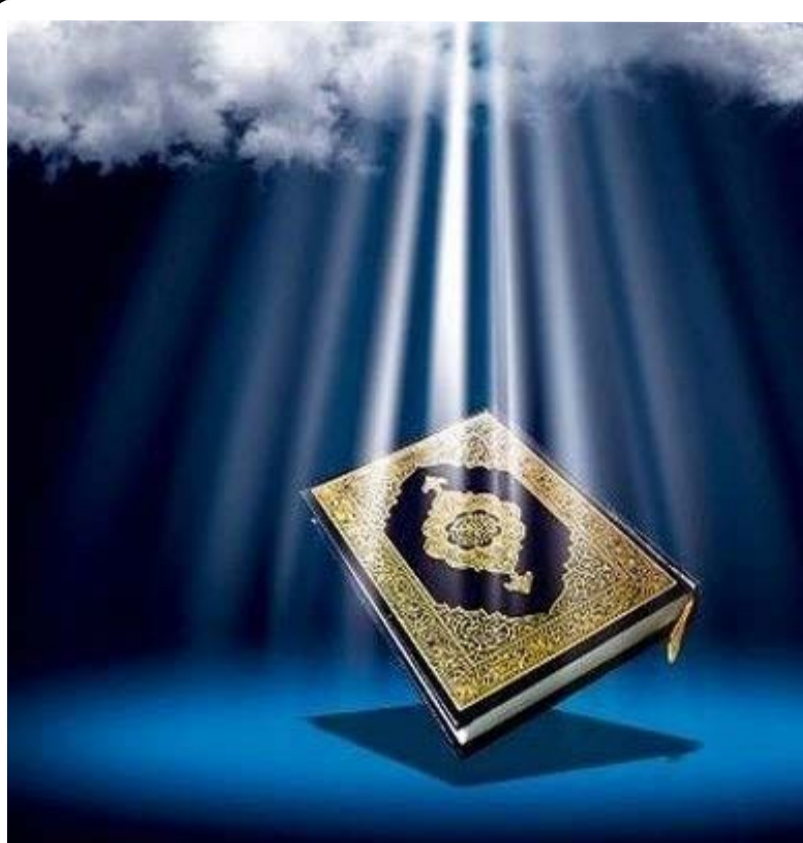
او افزود: وکیل‌های که ما برای شان رای داده بودیم به درد ملت نخوردند و نمی‌خوردند؛ بنابراین نباید اجازه بدهیم که مفت و رایگان به پارلمان را پیدا کنند، زمانی که به پارلمان رفتند، ده برابر پولی را که مصرف کردند، پیدا می‌کنند؛ بنابراین من از تمامی هم‌وطنانم می‌خواهم که به هیچ کس حتی برادر خود مفت و رایگان تذکره ندهد.

باین حال بلیق‌س باشند دیگر شهر کابل می‌گوید: تذکره را هم در بدل یک بوجی برنج «سیله اول» می‌فروشم تا در ماه رمضان از خرید برنج راحت باشم، «بیزو کسانی که وکیل می‌شوند، به درد مردم نمی‌خورند»، پس چرا رای‌ام را مفت بدهم.

او که همراه دخترش به یکی از مراکز ثبت نام آمده



# نگاره نو به فکران



## فشرده‌ی از نظریات شحرور در قرآن شناسه

کمال الدین حامد

بخش نخست

محمد شحرور فرزند دهب در سال ۱۹۲۸ م در دمشق به دنیا آمده است. دورهٔ مکتب را در سال ۱۹۵۸ در همان‌جا به پایان رساند، سپس رهسپار مسکو شد و دیپلوم کارشناسی خود را در سال ۱۹۶۴ م در هندسهٔ شهری از دانشگاه مسکو به‌دست آورد. تا سال ۱۹۶۸ استادیار در دانشکدهٔ هندسهٔ شهری دمشق بود و همین سال رهسپار ایرلند شد و سند کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۹۷۰ و دکترای خود را در سال ۱۹۷۲ از آن‌جا به‌دست آورد. وی تا همین اواخر به‌حیث استاد در دانشگاه دولتی دمشق مشغول تدریس بود که اندکی پس از آغاز خیزش مردمی در سوریه، به آلمان مهاجرت کرد و تا اکنون در آن‌جا زنده‌گی می‌کند. شحرور از سال ۱۹۶۷ کار تحقیقی خود را روی اندیشهٔ اسلامی تحت عنوان «دراسات اسلامیهٔ معاصره» آغاز نمود و نخستین کتاب خود را در سال ۱۹۹۰ تحت عنوان «الکتاب والقرآن - قرائهٔ معاصره»، در سال ۱۹۹۴ «الدولة والمجتمع»، در سال ۱۹۹۶ «الایمان والاسلام»، در سال ۲۰۰۰ «تحو اصول جدیدة للفقہ الاسلامی»، در سال ۲۰۰۸ «تجفیف منابع الارهاب» و تا سال ۲۰۱۱ «قصص القرآنی ۱ و ۲» را انتشار داده است. شحرور مصاحبه‌ها و برنامه‌های زیادی در شبکه‌های ماهواره‌ی غربی و عربی انجام داده که فعال برنامهٔ «النبا العظیم» او در یکی از شبکه‌های ماهوارهٔ خلیجی در حال نشر می‌باشد.

مقدمه

اسلام نافذترین دین جهان بر اندیشهٔ طرف‌دارانش شناخته می‌شود و این نفوذ از یک‌طرف محصول پردازش متن اصلی آن (قرآن کریم) به تمام ابعاد زنده‌گی (اعم از اخلاق و راهکارهای اجتماعی) می‌باشد و از طرف دیگر، برخلاف مسیحیت، اسلام در آوان طلوع و مراحل اولیهٔ تاریخی خود، مدل اجتماعی موفقی را به ظهور رسانیده و این امر، مسلمانان را میراث‌دار یک مرحلهٔ پُرشکوه تاریخی در تمام حوزه‌ها ساخته است. اسلام در دو دورهٔ بسیار دشوار خود (دورهٔ حملهٔ مغول و عصر استعمار) در برابر تهدید از خود واکنش نشان داده و به‌جای این‌که به حاشیه برود، مقاومت در برابر سلطهٔ دیگران را طرح‌ریزی نموده است.

در نتیجه، اسلام برای بسیج افکار مؤمنان بیش از تمام ادیان موفق بوده و نفوذ عمیق فکری و اجتماعی خود را زیر ساتور لاینک‌ترین نظام‌ها حفظ کرده است. پرسشی که بی‌جواب مانده، همان عدم موفقیت اسلام در ارائهٔ یک راهکار نظری و تیوریک عصری در دورهٔ مدرن و پسامدرن است که تیوری‌پردازان و اندیشمندان مسلمان را واداشته که مبتنی بر فرضیهٔ «کمال»

و جامعیت اسلام، در جست‌وجوی خلاءهای موجود در این حوزه باشند.

بیدارگران مسلمان عصر پس از استعمار، با این امر موافق بوده‌اند که راه منحصر به فرد رسیدن به موفقیت برای مسلمانان رجوع دوباره به اسلام به‌عنوان یک روایت کامل از زنده‌گی است، ولی در جزئیات این رجوع (اصول‌گرایی) دیدگاه‌های متفاوتی بروز داده‌اند که می‌توان این‌طور از آن‌ها نام برد:

۱. برخی‌ها برای این بن‌بست، بازسازی قرائت تاریخی عصر اولیهٔ اسلامی را پیشکش می‌نمایند و به این صورت در صدد برگرداندن مسلمانان قرن بیست و یک به قرن هفت میلادی اند. (سلفی‌ها)

۲. برخی دیگر در صدد بازسازی دوبارهٔ میراث اسلامی (نظام فکری و حقوقی اسلام) تحت عنوان اجتهاد مدرن و یا مصلحت‌گرایی اند. کار این‌ها تا حد زیادی در حوزه‌های خاصی موفق بوده است، ولی به لحاظ عدم بازبینی در مبانی و ساختار اصلی قرائت نصوص اسلامی نتوانسته‌اند همه‌شمول و جامع شناخته شوند که در نهایت دوباره به سلفی‌گرایی و یا لیبرالیسم کشانده شده است. (مصلحت‌گرایان)

۳. گروهی دیگر در صدد پایین آوردن انتظار از اسلام و در کل، دین اند و به این لحاظ توجه‌شان را به فلسفهٔ دین معطوف کرده‌اند تا بتوانند حوزهٔ انتظار بشر از دین را محدود نمایند که به این صورت دین بتواند پاسخ‌گوی حوزهٔ محدودی باشد. (روشن‌فکران دینی)

۴. بعضی دیگر از اندیشمندان، در صدد قرائت مجدد و مدرن از نصوص اسلامی برآمده‌اند و به این صورت، کار را بزرگ‌تر از مصلحت‌گرایان (در تمام حوزه‌ها) آغاز کرده‌اند و هیچ توجیهی به کار روشن‌فکران دینی و سلفی‌ها ننموده‌اند. دلیل آن، دگم بودن کار سلفی‌ها، جزئی بودن کار مصلحت‌گرایان و بی‌نتیجه بودن کار روشن‌فکران دینی است و روی همین ملحوظ، اصل حوزهٔ انتظار بشر و مسلمانان از اسلام را زیر سوال نبرده‌اند، بلکه میراث اسلامی را به عنوان یک قرائت از نصوص زیر سوال برده‌اند و به‌جای آن، قرائت ویژهٔ خودشان را ارائه داده‌اند.

شحرور اسلام‌شناس و مهندس معاصر سوری از همین طیف محسوب می‌گردد. وی با نوشتن اثر معروف خود «الکتاب والقرآن - قرائهٔ معاصره» - ابتکار بی‌سابقهٔ خود را در این حوزه تقدیم جوامع اسلامی نمود و بعداً با نوشتن آثار دیگر در حوزه‌های مرتبط با اصل بحث، تیوری خود را کامل کرد.

نوشتهٔ حاضر، فشرده‌ی از دیدگاه وی در حوزه‌های سه‌گانه (قرائت مجدد از قرآن کریم، جهان‌بینی قرآنی و احکام و حقوق در قرآن) است که توسط صاحب این قلم جمع‌آوری

گردیده و به دوستان تقدیم می‌گردد. قبل از این‌که به مرور مختصری بر دیدگاه محمد شحرور پرداخته شود، نکات ذیل را باید یادآوری کرد تا دوستان بتوانند با توجه به آن‌ها، نوشتهٔ حاضر را به بررسی بگیرند: یک. نقل دیدگاه دیگران الزاماً به معنی موافقه و یا مخالفت با آن تلقی نمی‌شود؛ به این صورت، بررسی دیدگاه شحرور نیز به معنی موافق بودن بنده با تمام دیدگاه ایشان نمی‌باشد.

دو. تیوری شحرور در تمام حوزه‌های سه‌گانه را نمی‌توان در طی چند صفحه بیان داشت، بنابراین نباید انتظار داشت که این نوشته خلاصهٔ کاملی از دیدگاه ایشان باشد.

سه. بررسی و مطالعهٔ هر نظریه‌ی خود یک «نظریه» تلقی می‌شود و از این رو ممکن است در مواردی نتوانسته باشیم دیدگاه وی را به صورت دقیق ارائه نماییم.

چهار. گزارش هر دیدگاهی در قدم نخست تخصص لازم را در همان حوزه می‌طلبد که نویسنده نیز متخصص حوزه‌های مختلف نظریهٔ دینی نیستیم که خود در عدم جامعیت این نوشته بی‌اثر نخواهد بود.

پنج. رد و اتهام‌هایی به شحرور وارد شده است که به لحاظ فشرده بودن این نوشته، از یادآوری آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

شش. در این بررسی هیچ قضاوتی از جانب نویسنده صورت نگرفته است؛ نه از باب تأیید و نه از روی تردید. باید این مسأله را به فرصتی دیگر و نوشته‌های دیگر موقوف کرد.

هفت. شاید برخی پهلوه‌های دیدگاه وی نیاز جدی‌ی به بررسی دیدگاه دیگران داشته باشند که در این‌جا تنها با توجه به نوشتهٔ ایشان این خلاصه‌نویسی پیش‌کش شده و به هیچ منع و دیدگاه دیگری پرداخته نشده است.

هشت. در این بررسی از آوردن دلایل شحرور برای دیدگاه‌هایش صرف‌نظر شده و حتا آیاتی از قرآن کریم که وی به عنوان محور استدلال‌هایش ردیف نموده، نقل نشده و این کار به مقصد هرچه خلاصه کردن مطلب صورت گرفته است.

نه. دسته‌بندی مطالب نیز تا حد زیادی محصول سلیقهٔ نویسنده است و شاید در این کار کوتاهی‌های زیادی صورت گرفته باشد که این تقصیر را صاحب این قلم به‌دوش می‌کشد و از آن شحرور نیست.

ده. قصد نویسنده در این بررسی صرف ارائهٔ یک تصویر کلی از یک نظریه است و در این باب، هیچ رد و تأییدی برای نظریات دیگران و دیگر مذاهب و نحله‌های فکری در کار نیست و نیت بنده، رد و تأییدی برای نظریات دیگران نمی‌باشد.

بخش دوم و پایانی

## کل‌گرایی در برابر تقلیل‌گرایی

عقیل ملکی‌فر

اگر عده‌ی از مردم را جمع کنیم که نمی‌از آن‌ها تنها هایدروجن را بشناسند و نمی‌دیگر صرفاً اکسیجن‌شناس باشند و به این دو گروه آب را نشان دهید، بدون شک از تشخیص آن عاجز خواهند بود. زیرا آب نه اکسیجن است و نه هایدروجن؛ بلکه چیزی متفاوت است. به زبان دیگر، کل‌ها ویژه‌گی‌هایی دارند که اجزا فاقد آن‌ها هستند.

غلبهٔ جزء‌نگری بر جامعهٔ علمی و کارشناسی، یا آنچه که به زبان فلسفی‌تر، تقلیل‌گرایی نامیده می‌شود، ریشه در جهان‌بینی علمی غرب دارد. این جهان‌بینی، هر کل را به مثابه جمع جبری اجزای آن تعریف می‌کند و بر این باور است که راه شناخت کل از شناخت اجزای آن می‌گذرد. به همین دلیل مثلاً پزشکی که با این جهان‌بینی تربیت می‌شوند، وجود کلی انسان را به دو بخش روانی و فیزیکی تقسیم می‌کنند؛ گروهی روان‌پزشک می‌شوند و گروهی دیگر جسم‌پزشکی می‌خوانند (با چشم‌پزشکی اشتباه نشود). علوم پزشکی امروز، انسان را تکه‌تکه کرده است؛ همان‌طور که سایر علوم نیز بین طبیعت و فراطبیعت، علوم و فناوری، اقتصاد و دفاع، صنعت و محیط زیست، واقعیت‌های مادی و ارزش‌ها، زن و مرد، کار و تفریح، آینده و گذشته، و در یک کلام همه چیز را پاره پاره کرده‌اند.

در میان روشن‌فکران معاصر، جان کریستین اسماتس، نخست‌وزیر اسبق آفریقای جنوبی، ظاهراً نخستین کسی است که با نگارش کتاب کل‌نگری و تکامل، به نقد تقلیل‌گرایی پرداخت و نشان داد که این رویکرد چه آثار مخربی بر تعالی جوامع و بشریت می‌تواند داشته باشد.

وی در سال ۱۹۲۷ در یک سخنرانی دانشگاهی اظهار داشت:

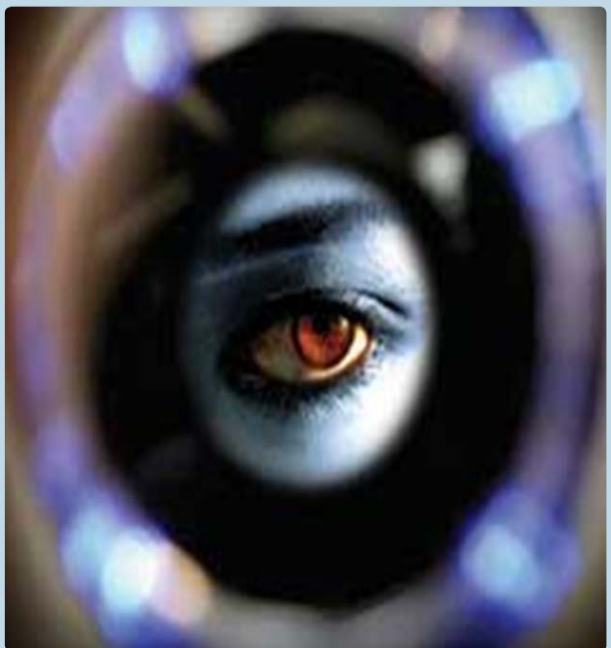
جهان ما از یک زنجیره کل‌های رو به تراشد تشکیل شده است. نخست با ماده شروع می‌کنیم که ساده‌ترین کل است. سپس به سمت گیاهان و حیوانات، ذهن انسان، نوع بشر، شخصیت، و دنیای روحانی حرکت می‌کنیم. ساختار جهان از به هم پیوستن و ترکیب این کل‌ها تشکیل می‌شود.

خوب نگاه کنید؛ بر خلاف آنچه که در زنده‌گی روزمرهٔ خود تجربه می‌کنیم، این جهان محبت‌آمیز و به دور از تخاصم است. همهٔ ما، چون اجزای یک ارگانیزم زنده، با یکدیگر در ارتباط هستیم. در این ارتباط، اجزا می‌توانند مکمل و یاری‌دهندهٔ یکدیگر باشند. این ایده‌ی است که قدرت، صلح، و سلامتی را به ارمغان می‌آورد و به ما می‌آموزد که همه چیز را از دیدگاه کلان‌تر و کلی‌تری ببینیم. کل‌نگری، کلید گم‌شدهٔ تفکر است. زمانی که از این منظر نگاه کنیم، رازهای بسیار بیشتری از جهان بر ما آشکار خواهد شد.

اسماتس می‌دانست که مردم در برابر تغییر نگرش‌های خود مقاومت می‌کنند، اما او با اعتقاد به درستی دیدگاه خود، بعدها چنین نوشت:

من صبور بوده و منتظر ظهور نتایج واقعی هستم. راه یافتن نگرش‌های نو به اذهان مردم، زمانی طولانی می‌طلبد و شاید کل‌نگری به این زودی‌ها همه‌گانی نشود، اما در بلندمدت و در پایان، بی‌شک جایگاه خود را در توسعهٔ تفکر بشری پیدا خواهد کرد و افکار عمومی را از جو مخرب گذشته جدا کرده و آن‌ها را به سمت دیدگاهی عاقلانه‌تر و بزرگ‌تر سوق خواهد داد.

امروز با گذشت چندین دهه از نگارش این سخنان، هنوز شمار کسانی که کل‌نگری را در عمل به کار می‌گیرند، بسیار ناچیز است. این، نشان‌گر شیوهٔ تغییر در ما انسان‌ها است. در حالی که عقل سلیم، ما را به رویکرد کل‌نگری تشویق می‌کند، عملکرد ما بر اساس عادات فکری نهادینه شده، هم‌چنان به تقلیل‌گرایی تمایل دارد.



# رد نظریه جدایه دین از سیاست

بخش هفتم و پایانی

سید محمد طاهر بن عاشور

ترجمه: سید احمد اشرفی

از آن چه گفته آمد روشن می شود که پرداختن به موضوع جنگ های رده در این جا، فایده یی به مدعای اصلی مؤلف ندارد، مگر این که منظورش القای تبعات آن جنگ ها بر دوش ابوبکر باشد. او می خواهد بگوید که ابوبکر تنها یک زعیم سیاسی بوده و دارای ویژه گی ها و صلاحیت هایی نبوده که جنگ وی را با مردمی که مسوولیت کفرشان را برعهده نداشته، توجیه کند. اما او بدون این که متوجه شود، دچار تناقض گویی شده است؛ زیرا اگر او ادعا دارد که ابوبکر تنها یک رهبر سیاسی بوده...

از مجموع روایات روشن می شود که علی به صحت بیعت ابوبکر - رضی الله عنهما - معترف بوده و با آن مخالفتی نداشته و تأخیرش برای مدت کمی به خاطر مصروفیت های مهم بوده است. البته تأخیر غیر از مخالفت و رد کردن است. ولی در مورد تأخیر حضرت سعد بن عباد - رضی الله عنه - باید گفت: وی یگانه صحابی یی هست که تا آخر عمر از بیعت با ابوبکر صدیق امتناع ورزید. اما در این مورد باید توجیه و یا تأویلی در خور شأن این صحابی جلیل القدر پیدا کرد: شاید علت این بوده باشد که وی در روز سقیفه، از جانب انصار به خلافت نامزد شده بود اما پس از اجماع صحابه بر خلافت ابوبکر و انصراف انصار از بیعت وی، احساس یأس و تنهایی کرده و چون مردی بود دارای مناعت و عزت نفس، مدینه را ترک کرد و دیگر برنگشت، تا این که در زمان خلافت عمر و در روایتی در زمان خلافت ابوبکر، در حوران شام وفات نمود. لیکن هیچ گونه طعنی از وی بر خلاف ابوبکر و یا دشمنی و نافرمانی نقل نشده است و این می رساند که تخلف وی از بیعت به معنای مخالفت و یا رد خلافت ابوبکر نبوده است تا در انعقاد اجماع خللی وارد شود؛ زیرا چنانچه امام شافعی گفته است، برای سکت قولی نسبت داده نمی شود. علاوه بر آن، گروهی از علما گفته اند که مخالفت یک نفر به انعقاد اجماع ضرری وارد نمی کند. از جانب دیگر، روایت هم نشده که صحابه از وی تقاضای بیعت کرده باشند و یا از تخلف وی اظهار حرجی کرده باشند.

این بود حقیقت آن چه درباره آن دو صحابی بزرگوار گفته می شود. اما اگر ما افسار را سست اندازیم و در مناظره تنازل کنیم و از راه جدل بپذیریم که علی و سعد به صراحت از بیعت ابوبکر سرباز زده اند، هر چند هیچ روایتی در این مورد وجود ندارد، باز هم در آن دلیلی بر ادعای مؤلف مبنی بر این که خلافت یک منصب دینی مهم و بزرگ نیست، شده نمی تواند؛ زیرا در آن صورت امتناع ایشان جز رأیی در دین و اجتهادی در اولویت ابوبکر به خلافت نخواهد بود و اجماع امت بر اصل مشروعیت خلافت یا امامت بر مسلمانان را نقض نخواهد کرد. آن دو صحابی با وجود امتناع از بیعت ابوبکر، به وجوب اصل امامت و نصب خلیفه قایل بودند، به دلیل این که سعد به بیعت انصار برای خودش راضی بود و علی بعدها خود این خلافت را برعهده گرفت.

مؤلف در صفحات ۹۸، ۹۹ و ۱۰۰ به جنگ های رده پرداخته و اظهار داشته که مالک بن نویره از پرداخت زکات ابا و ورزید و خالد بن ولید فرمانده خلیفه ابوبکر، او را به قتل رساند و ابوبکر از این عمل اظهار ناخشنودی کرد.

همچنان نوشته است که عمر با جنگ های ابوبکر بر ضد مرتدین مخالفت کرده و به او گفته بود: چگونه با کسانی که «لا إله إلا الله» می گویند، می جنگی. پس از آن، مؤلف درباره عوامل جنگ های رده دچار تحیر شده و با اشاره های طعن آمیز چنین وانمود کرده که گویا عامل این جنگ ها رقابت بر سر قدرت بوده است. وی همچنان درباره صلاحیت ابوبکر بحث کرده که آیا وی رهبریت دینی داشته که به وی مسوولیت مداخله در امر مرتدین را می داد، یا این که در این مداخله عوامل غیردینی مؤثر بوده است.

در جواب وی باید عرض نمود که: جنگ های رده چه دینی باشند و چه سیاسی و عامل آن چه

آبی بکر هوالحق<sup>۱</sup> یعنی: سرانجام دانستم که حق همان است که پروردگار سینه ابوبکر را به آن گشود. از این سخن معلوم می شود که مخالفت عمر مانند مخالفت کسی است که از دلیل حکم آگاهی ندارد، و این از اعتراض دیگر وی به ابوبکر معلوم می شود که گفت: چگونه با آن می جنگی در حالی که لا إله إلا الله می گویند. اما در جواب ابوبکر گفت: «والله لأقاتلن من فرّق بين الصلاة، والزكاة، فإن الزكاة حق المال، والله لو منعوني عقاباً كانوا يؤذونه إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم لقاتلهم عليه.» یعنی: حتماً با کسی که بین نماز و زکات فرق می گذارند، می جنگم؛ زیرا که زکات حق مال است و سوگند به خدا اگر از پرداختن یک شتر بندگان که به رسول خدا می پرداختند، امتناع ورزند، با آنان خواهم جنگید.

زمانی که حضرت عمر استدلال ابوبکر را شنید، قناعتش حاصل گردید و به حقانیت اجتهاد ابوبکر تسلیم شد و آن مقوله بالا را به زبان آورد. فحوائی استدلال ابوبکر این بود که نطق به کلمه شهادت مانع قتال به خاطر کفر می شود، اما قتال به خاطر حقوقی که اسلام بر گردن مسلمان لازم می گرداند به جای خود باقی است، و از آن جا که قتال به خاطر ترک نماز ثابت است و از آن جا که قرآن کریم زکات را در بسیاری از آیات مقرون با نماز ذکر کرده، پس قتال به خاطر زکات هم ثابت می شود.

این استدلال بسیار عمیق و نیرومند است؛ زیرا قرآن کریم وقتی بنی اسرائیل را به اسلام دعوت می کند، در سوره بقره خطاب به آنان می فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره: ۴۳) یعنی: و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.

تخصیص این دو عمل از میان سایر اعمال اسلامی در این آیت، اشاره بر این دارد که این دو عمل، دلیل صدق مسلمانی است؛ زیرا تنها نطق به شهادت بدون عمل، گاهی برای کسی که به آن باور ندارد، کار آسانی است. از این رو نماز و زکات را نشانه صدق ایمان به شهادت قرار داده است؛ زیرا اگر او صادق نمی بود، تکلیف ادای نماز و رنج بذل اموال را محتمل نمی شد.

پس مقرون شدن نماز با زکات در قرآن، دلیل بر یکی بودن حکم آن هاست. و همچنان که حکم تارک نماز - از روی امتناع نه از روی انکار - نزد بعضی علما کفر و مستوجب قتل می باشد و نزد دیگران مستوجب تعزیری می شود که احياناً به درجه قتل می رسد، زکات هم عین حکم را دارا می باشد.<sup>۲</sup>

مؤلف پس از آن از صفحه ۱۰۳-۱۱۰ خاطر نشان می سازد که: عوامل و شرایطی وجود داشته که به زعامت ابوبکر رنگ دینی بخشیده است. از جمله جایگاه بلند وی نزد رسول اکرم و پیروی کامل وی از ایشان در همه امور خصوصی و عمومی، عواملی بودند که عامه مسلمانان اشتباهاً به خلافت وی مقام

دینی قایل شوند و بعد از آن، سلاطین این صفت را ترویج دادند تا جایی که مسأله خلافت در زمره مباحث اعتقادی جای گرفت. ما در ضمن نقد خویش بر مؤلف، این مطلب را واضح ساختیم که خلافت به معنای حقیقی آن نه تنها یک اصل مهم دینی است، بلکه نگهبان همه اصول و ارکان دین محسوب می شود؛ لهذا به آن اکتفا نموده در این جا می گوئیم: فیصله در مورد قضایای مهم و سرنوشت ساز در آن زمان، کار عامه مردم نبود، بلکه کسانی که ابوبکر را خلیفه نامیدند و به امارتش صفت خلافت دادند، بزرگان صحابه و نخبه گان ایشان، یعنی اهل حل و عقد بودند و آنان کسانی نبودند که تا این اندازه امور بر ایشان مشتبه شود.

سرانجام مؤلف در خاتمه سخنان خویش می گوید: «حق این است که دین از خلافت بیزار است، و خلافت هم به دین ربطی ندارد، بلکه دین درباره امور حکومت داری از قبیل قضا و آباد کردن شهرها و غیره نه نظر مثبت دارد و نه نظر منفی، بلکه این امور را به خود ما واگذار کرده تا با مراجعه به احکام عقل و اساسات هنجارهای سیاست آن ها را سامان دهیم.»

مؤلف در جملات فوق از توریه و کتمان کاری اجتناب کرده و مقصد و مراد خویش را به گونه روشن بیان داشته و ارتباط سیاست و خلافت را با دین، به طور صریح نفی کرده و جزم کرده که ارتباط دادن سیاست و قضا با دین، غلط و فریبی بیش نبوده.

وی با این نظریه در حقیقت همه خلفا و فقها را تحمیق کرده است؛ زیرا هر که به کتاب های حدیث و سیرت و تاریخ مراجعه کند، می بیند که علما و بزرگان و فرماندهان مسلمان در هر عصری، از زمان ابوبکر صدیق تا دوره های بعد، وقتی که به خلیفه بیعت می کردند، بر کتاب خدا و سنت رسول الله بیعت می کردند، پس اگر خلافت تنها یک برنامه سیاسی می بود، پس به چه دلیل آن را به کتاب الله و سنت رسول الله ارتباط می دادند و چرا علمای اسلام، خروج خلیفه از اصول دین را در موارد معین موجب عزل وی می دانستند، و چرا خروج قاضی از شروط معروف در فقه و یا خروج وی از قضاوت به راه های شرعی را موجب عزل وی و یا عدم نفوذ فیصله های وی تلقی می کردند؟

اگر چنانچه مؤلف این همه را غلط و فریب می پندارد و دامان سلف صالح و علمای آنان را از این زشتی ها پاک نمی داند، این می تواند بهترین دلیل بر ارزش محتوای کتاب «اسلام و اصول حکم» باشد.

این بود آنچه در مورد کتاب «اسلام و اصول حکم» بیان داشتیم. امید است اندکی از عطش جست و جوگران را فرو نشاناند. و چون منظور ما ورود در جزئیات نبود، به اجمال و ایجاز روی آوردیم و از تفصیل و اطناب اجتناب کردیم.

۱ - صحیح بخاری، حدیث شماره: ۶۸۵۵ و صحیح مسلم

۲ - بر اساس آیات و احادیث وارده، نماز ستون دین و مهم ترین عبادت در اسلام و بزرگ ترین وسیله تقرب به درگاه الهی بوده، نشانه بندگی و مسلمانی محسوب می شود. تا زمانی که انسان مکلف، جان در بدن دارد و هوش و فکرش کار می کند، باید نماز را به جا آورد. درباره ترک نماز و عیدهای بسیار سخت و شدید اللحن در قرآن و حدیث آمده است؛ حتی در برخی از احادیث ترک نماز موجب کفر و تارک آن مستحق قتل دانسته شده است. ترک نماز از دو حالت خارج نیست؛ یا از روی جحد و انکار صورت می گیرد، یا از روی بی پروایی و تکامل و تنبلی که در متن از آن به امتناع تعبیر گردیده است. اگر کسی از روی جحد و انکار، نماز را ترک کند، به اجماع مسلمین، کافر شده از ملت اسلام خارج می گردد. اما اگر کسی از روی تکامل و تنبلی آن را ترک کند، ولی به فرضیت و اهمیت آن باور داشته باشد، علما درباره آن اختلاف نظر کرده اند؛ نزد امام احمد حنبل کافر تلقی شده کشته می شود. و نزد امام ابوحنیفه، امام مالک و امام شافعی، تکفیر نمی شود، بلکه تفسیق می گردد و به توبه واداشته می شود، اگر توبه کرد و نماز خواند رها می شود و اگر توبه نکرد و نماز نخواند، در این صورت به نظر امام شافعی و امام مالک کشته می شود و به نظر امام ابوحنیفه کشته نمی شود، بلکه مورد تعزیر قرار گرفته



# حملات مرگبار بر میدان کرکت در ننگرهار



در اثر وقوع سه انفجار پیهم در جلال آباد، مرکز ولایت ننگرهار هشت غیرنظامی کشته و ۴۳ تن دیگر زخمی شد. عطاالله خویگانی، سخنگوی والی ننگرهار گفت که این انفجارها در داخل یک میدان ورزشی و هنگام برگزاری مسابقات کرکت به وقوع پیوست. آقای خویگانی افزود که این میدان ورزشی در منطقه پل بهسود موقعیت دارد و در آن مسابقات کرکت زیر نام «رمضان کپ» جریان داشت. سخنگوی والی ننگرهار گفت که هر سه

انفجار حوالی ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه شب جمعه رخ داد و در آن هدایت الله زهیر، مسؤول برگزاری این مسابقات نیز کشته شده است. در همین حال، نجیب الله کاموال، رییس صحت عامه ولایت ننگرهار وضعیت صحتی هفت زخمی این انفجارها را وخیم توصیف کرد. مقام‌های ولایت ننگرهار گفتند که تا کنون نوعیت این سه انفجار روشن نبوده و تحقیقات پولیس در مورد وقوع این رویداد آغاز شده است. ارگ در واکنش به این رویداد گفته است که

گروه‌های تروریستی حتی در ماه مبارک رمضان که ماه عبادت و بخشش است، دست از کشتار مردم برنداشتند و با انجام حمله تروریستی در این مکان پُرازدحام ورزشی، یکبار دیگر ثابت ساختند که به هیچ دین و آئینی پایبند نیستند و دشمن انسان و انسانیت می باشند. رییس حکومت وحدت ملی ضمن محکوم نمودن شدید این حمله وحشیانه تروریستی، گفت که انجام این چنین حملات جنایتکارانه، دشمنی با ارزش‌های دینی و فرهنگی مردم ما و تداوم جنایت و وحشت، فتنه‌گران است. رییس اجرایی نیز در پیامی این حملات را وحشیانه، تروریستی و ضد بشری خوانده است.

رییس اجرایی در اعلامیه‌ی گفته است که طالبان و دیگر گروه‌های همسو و نیابتی‌شان با سازمان‌دهی چنین حملات نفرت‌انگیزی ثابت کرده‌اند که هیچ تفاوتی میان نظامیان، غیرنظامیان، مردان، زنان، کودکان و جوانان این سرزمین قایل نیستند و بدون تفکیک شهروندان کشور را به شهادت می‌رسانند. چنانچه دیشب هواداران و بازیکنان کرکت را هدف قرار دادند. طالبان تروریست و حامیان‌شان هرگز شادمانی، پیشرفت و موفقیت مردم افغانستان را در هیچ زمینه‌ی تحمل نمی‌توانند و از پیروزی‌های ورزشکاران ما در میادین جهانی نیز خشمگین و مضطرب هستند. آن‌ها با تمام ارزش‌های تمدنی و امروزی سرستیز و دشمنی دارند. در این اعلامیه گفته شده که مردم افغانستان انتظار داشتند که تروریستان بدصفت حداقل در ماه رمضان دست از کشتار و خون‌ریزی بردارند، اما آن‌ها به تکرار ثابت کرده‌اند که هیچ مناسبتی مانع وحشت‌آفرینی آن‌ها نمی‌شود.

## هشدار از سقوط ولسوالی...

تا هنوز چندین بار با مقام‌های امنیتی به منظور کمک رسانی به ولسوالی اجرستان صحبت کرده اند؛ اما آنان با وجود آنکه وعده داده اند، اقدام به کمک رسانی نکرده اند.

با این وجود، عبدالرئوف ابراهیمی رییس مجلس نمایندگان که وزارت دفاع و وزارت داخله باید به درخواست نیروهای کمکی مسوولان ولسوالی اجرستان پاسخ فوری دهند تا از سقوط این ولسوالی جلوگیری صورت گیرد تا فاجعه دیگری اتفاق نیفتد.

به گفته نمایندگان غزنی وضعیت این ولایت در مجموع خراب است و اگر مورد توجه استثنایی حکومت مرکزی قرار نگیرد، احتمال سقوط این ولایت نیز متصور است. با این وجود، بسیاری از نمایندگان مجلس وزارت دفاع و نیروهای خارجی را در اقدامات هوایی پیشگیرانه علیه دشمن به کوتاهی متهم کرده، می‌گویند که هرزمانی ولسوالی سقوط کرد، پس از آن بالای طالبان حمله شده و ولسوالی باز پس گرفته می‌شود.

## نگرانی سازمان گزارشگران...

بدون مرز از ناامنی‌های جاری در ولایت فراه نیز ابراز نگرانی کرده و گفته است که در این ولایت نزدیک به ۳۰ خبرنگار برای دو شبکه تلویزیونی، ۵ رادیو و ۲ نشریه فعالیت می‌کنند.

این سازمان گفته است که در یک سال اخیر از یک‌سو شدت جنگ و از سوی دیگر گروه‌های مسلح غیر مسؤول، پولیس و نیروهای اردو به تهدیدی علیه خبرنگاران مبدل شده است. در خبرنامه این سازمان آمده است «گروه‌های مسلح غیرمسوول که از سوی حکومت، جنگ سالاران و برخی والیان حمایت می‌شوند، خود به عاملان سرکوب و تهدید (خبرنگاران و رسانه‌ها) تبدیل شده اند».

در این خبرنامه به نقل از رضا معینی، مسوول دفتر افغانستان و ایران گزارشگران بدون مرز آمده است که گروه‌های مسلح غیرمسوول به یکی از «عاملان اصلی» سرکوب رسانه‌ها مبدل شده و حکومت افغانستان باید این گروه‌ها را مهار کند.

آقای معینی از حکومت افغانستان خواسته است که باید به تهدیدات علیه رسانه‌ها و معافیت از مجازات عاملان خشونت علیه خبرنگاران خاتمه داده شود.

این سازمان گفته است که گروه‌های مسلح غیرمسوول از سوی «جنگ سالاران، قومندانان جهادی سابق و زورمندان محلی سازماندهی و از سوی حکومت و یا مردان با نفوذ حکومتی مسلح شده اند».

گزارشگران بدون مرز گفته است که وظیفه اصلی این گروه‌ها مبارزه با گروه‌های مسلح مخالف نظام افغانستان است؛ اما آنان به عامل «ناامنی» به ویژه برای رسانه‌ها و خبرنگاران مبدل شده است.

در خبرنامه این سازمان آمده است «نشر خبر و گزارش در باره فعالیت‌های مافیایی این گروه‌ها در رسانه‌های محلی ناممکن شده است. حتی رسانه‌های سراسری هم از این امر پرهیز می‌کنند».

به گفته این سازمان، در برخی از مناطق برخی زورمندان محلی و والی‌ها «اردوی شخصی» دارند. برنیاد خبرنامه این سازمان، در محلاتی که گروه‌های مسلح غیرمسوول «حضور قدرتمند» دارند معافیت از مجازات نیز حاکم است. تا اکنون حکومت افغانستان در مورد این گزارش واکنش نشان نداده است.

## بهرینو چارو وزارت:

# له پاکستان سره د عمل په پلان کې حساس موارد ځای پرځای شوي



په رېښتیني همکاری سره په دغه هېواد کې د سولې او امنیت د ټینګښت په برخه کې اساسي رول ولوبوي. خو ښاغلی خادم پر دې سربېره وايي چې د جنوبي اسيا لپاره د امریکا ستراتیژي او د افغان حکومت له لوري ځینې اقدامات هم په دې برخه کې ډېر اغېزمن تمامېدای شي.

کورني او بهرني فکتورونه په اساسي ډول د ښکېلو اړخونو له لوري تر پوښښ لاندې رانشي، فکر نه کوم چې د دواړو هېوادونو ترمنځ رامنځته شوی تعامل به مثبت یا منفي نتیجه ولري». افغانستان په کراتو ویلي چې په دغه هېواد کې د سولې کلي له پاکستان سره ده او اسلام اباد کولای شي چې

همکاري، د سولې او بیا پخلاينې بهیر، سیاسي همکاري، گډ اقتصادي پرمختګونه، له پاکستانه د افغان کډوالو بیا ستونول او د تاوتریخوالي کمول، د دواړو هېوادونو ترمنځ د سولې او بیوالي لپاره د عمل د پلان له مهمو مواردو څخه دي. د افغانستان او پاکستان د بهرینو چارو وزارتونو سیاسي معینانو حکمت خلیل کوزي او تهمینې جنجوعې د تېرې دوشنبې د ورځې په څلورمه ناسته کې هوکړه وکړه چې د سولې او بیوالي لپاره د عمل دا پلان به بشپړوي. افغان ولسمشر محمد اشرف غني او د پاکستان صدراعظم شاهد خاقان عباسي په کابل کې د تیر لمريز کال په ناسته کې هوکړه کړې وه چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د عمل پلان سند باید ډېر ژر وروستی شي. خو د نړیوالو چارو پوه انتظار خادم په دې باور دی چې پاکستان به د عمل پلان د عملي کولو لپاره ځینې اقدامات وکړي، خو په خبره یې چې د افغانستان د قضیې نورو خواوو ته هم پام ډېر مهم دی. نوموړي وویل: «دا ځل د پاکستان په دریځ کې ډېر لوی انعطاف لېدل کېږي، خو تر هغه چې د افغانستان د قضیې نور

د افغانستان د بهرینو چارو وزارت وايي، له پاکستان سره د عمل په پلان کې حساس موارد ځای پرځای شوي او عملي کول یې دواړو هېوادونو ته اړین دي. کابل دا ځل له پاکستان سره د سولې او بیوالي لپاره د عمل پلان ته سترګې نیولي او هیله څرګندوي چې ورنه مطلوبه نتیجه ترلاسه شي. د افغانستان د بهرینو چارو وزارت وايي، دغه پلان وروستی شوی او تمه ده چې شپږ کاري ډلې د پلان په شاملو مواردو کار وکړي. د دغه وزارت د ویاند مرستیال صیغت احمد د شنبې په ورځ ازادي راډیو ته وویل، د عمل په دغه پلان کې د کابل او اسلام اباد ترمنځ د سولې او بیوالي په برخه کې مهم موارد ځای پرځای شوي دي. دی وايي: «تراوسه چې مونږ توافق ته نه وو رسېدلي، غوښتل مو چې پر یوه چوکاټ توافق وشي چې په راتلونکي کې د اجرا وړ وي او مونږ وکولای شول چې له هغه ډېر څه ترلاسه کړو، تمه ده چې شپږ کاري گروپونه په دې پلان کار وکړي او دا ځل هېله مند یوو چې مطلوبه نتیجه ترلاسه شي». له تورېزم سره مبارزه او امنیتي

## با توقف دزدان به پشتواره...

امید مردم را که حق رأی و انتخاب برای تغییر است بار دیگر با دستبرد در حال دزدیدن اند. انتخابات را در اذهان عامه به کابوس وحشتناکی مبدل ساخته اند که در پس آن غیر از سیمای وحشتناک‌تر از امروز دیده نشود، تا در کمال استبداد صفتی، امید مردم را برای تغییر از آغاز در نطفه بکشند. تراژیدی انتخابات و سرنوشتی، که دیگر هرگز نباید تکرار شود.

قبل از انتخابات ۲۰۱۴ تأکید مان بر این بود که مودل دموکراسی ۱ + ۵۰ با بافت اجتماعی کثیرالاقوام افغانستان همخوانی ندارد و نمی‌تواند حقوق کشور اقلیت‌ها و شهروندان را تضمین نماید. گفتیم در شرایط پیچیده کشور برنده و بازنده وجود ندارد، همه باید برنده برنده شویم، در غیر آن همه

بازنده ایم. آقای اشرف غنی احمدزی و تیم هم ایدپولوژی‌اش با درک دقیق همین مقوله، عمداً کاملاً در جهت معکوس آن بازی برنده و بازنده را در پیش گرفت، از همان آغاز با حذف بخش بزرگ مردم افغانستان در جایگاه حریف سیاسی، هویتی و فکری خویش از ترکیب تیم انتخاباتی و استفاده ایزاری اقوام بزرگ دیگر به رقابت برنده-بازنده پرداخت. در این بازی چون با تفاوت ۱۴٪ ناکام ماند، به عجله و با همدستی حامیان خود نقشه فریبکارانه دیگر کشید، از ساده اندیشی سیاسی حریفان استفاده برد، یکی را بدون دلیل به رفتن به انتخابات دوباره آماده ساخت، از دیگری با ایجاد پست خیالی روپوشی ساخت برای مشروعیت، خود با خیال راحت به سازماندهی سیستماتیک دزدیدن حق مردم پرداخت و سرانجام به کرسی تقلب نشست. چهار سال تمام می‌شود که با تنش‌آفرینی، نفاق

افگنی، قومی ساختن سیاست، کشانیدن پای رقابت قدرت های منطقه و فرامنطقه به میدان افغانستان و بحران سازی پیهم، با لجابت تمام به همان بازی برنده-بازنده ادامه داده، مردم را بازنده و از کشور جهنم روی زمین ساخته است. وقت آن رسیده است که نیروهای دلسوز به مردم و افغانستان از شعارهای قومی، مذهبی، زبانی، سمتی که خواست و سیاست فعال همین رژیم و دشمنان سرزمین ماست بیرون شوند. گذشته از چند تا شبکه‌های استخباراتی که منافع و سمت و سوی شان روشن است، اذهان جامعه جهانی را از تبلیغات زهرآگین حکومتیان پاک سازیم چنانچه ذهنیت داده اند «افغانستان کشور تنش‌های قومی می‌باشد، آمادگی دموکراسی را ندارد، جمعی جنگسالارانند، جمعی جواسیس کشورهای همسایه، جمعی تجزیه طلب، جمعی طالب و جمعی داعش، زدوبند های زبانی، مذهبی و هویتی طبیعت مردم اند، در همچو

وضعیت حکومت ما یگانه گزینه بد از میان بدترها می‌باشد». در همچو شرایطی که سالها قبل پیش بین امروز بودیم، با انتخاب مودل دیموکراسی مطلوب همخوان با ساختار اجتماعی افغانستان، در اصول روی طرح نظام متعادل بتوافق برسیم تا منافع مردم و سلامت ملی افغانستان تضمین گردد و همه نقش برابر خود را در نظام آینده ببینند. در محور همین توافق، شرایط انتخابات شفاف، عادلانه و دیموکراتیک را همه باهم آماده سازیم تا خدا بخواهد از این جهنم رژیم، کشور و مردم خویش را نجات دهیم تا به دولت ملی، مسوول، با قاعده و قانونمند برسیم. به زودی طرح کامل وفاق ملی را برای گذار از بحران موجود با نیروهای متعهد به وفاق شریک خواهیم نمود.

**فیسبوک نامه**

**امر الله صالح**



اگر در یازده سال اخیر به جای تضرع به طالب و ایجاد روایت آشتی، برای متحدسازی تمام کتله‌های ضدطالب تلاش می‌شد، حالا طالب و تروریسم وجود نمی‌داشت. از ماست که بر ماست. طالبان لکه ننگ بر جبین این خاک اند و امروز ننگرهار را بار دیگر به سوگ نشاناند.

**امین کاوه**



طالبان به عنوان یک گروه تروریستی به هیچ رسم و آیین بشری پابندی ندارند. تنها آیین شان کشتن و آفرینش وحشت است و آن‌هم کشتن فله‌یی و گروهی، هرچه آدم بیش‌تر بکشند، وحشت بیش‌تر بی‌آفرینند، لذت بیش‌تری می‌برند. تجربه بیش از یک دهه گذشته نشان داد آنان که لذت را در کشتن می‌جویند، تضرع و برادرخوانده‌گی برای شان به پیشیزی ارزش ندارد. طالبان از بدو سقوط رژیم سیاه و خون‌آشام‌شان تا کنون، پیوسته حملات تروریستی و گروهی انجام دادند و میهن را به کاشانه مرگ مبدل کردند؛ اما بر عکس، حکومت‌گران همواره گردن تضرع خم کردند و به جای سرکوب آنان، دستار عزت بر سر شان نهادند و از زندان‌ها با دبدبه و شوکت رهای شان کردند. می‌دانم که تسلیت گفتن و آرزوی بهشت کردن برای رفته‌گان هیچ زخمی از زخم‌های خانمان سوز بازمانده‌گان را التیام نمی‌بخشد، با آن‌هم ضمن این‌که خود را در اندوه این غم فراموش‌نشدنی مردم ننگرهار شریک می‌دانم، از خداوند برای شهدا بهشت برین، برای زخمیان سلامتی عاجل و به خانواده‌های عزیز شان صبر و بردباری تمنا دارم. درد هر انسان درد من است و با کشتن هر انسانی در سوگ می‌نشینم.

**یاسر محسنی**



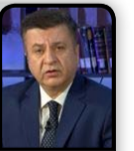
کابل / اسلام آباد / واشنگتن  
براساس آخرین رأی‌زنی‌ها در واشنگتن، قرار است چهار گروه کاری از نظامیان و ادارات استخباراتی کابل و اسلام‌آباد تشکیل شود تا تحركات نظامی مخالفان را در دو طرف خط دیورند مورد نظارت شدید خود قرار دهند. دیروز سخنگوی وزیر دفاع امریکا به صراحت گفت که افغانستان و پاکستان هر دو مقصر تنش‌های نظامی و تروریستی در منطقه هستند. در همین حال، منابع مطبوعاتی نزدیک به رییس ستاد مشترک اردوی پاکستان می‌گویند: سفرای دو کشور در پایتخت‌های همدیگر و وزارت خارجه‌های کابل و اسلام‌آباد از حل دایمی و معقول جنجال چهل ساله افغانستان ناتوان ماندند و بهترین شیوه و راه‌حل این است که یک کمیسیون مقتدر و با اختیار سیاسی متشکل از افراد آگاه تشکیل شود تا برای حل موضوع اقدام کند که این کمیسیون متشکل از افراد آگاه و کارشناس خواهد بود که از سوی کابل و اسلام‌آباد انتخاب خواهند شد.

**بشیر احمد قاسانی**



**احزاب بی‌برنامه!**  
احزاب در توسعه روندهای سیاسی به ویژه انتخابات، نقش ویژه‌ی دارند. این احزاب اند که از روندهای مردم‌سالاری در کشور نظارت کرده و مردم را تشویق به اشتراک در این روند می‌کنند.  
با تأسف در افغانستان این‌گونه نیست، هم‌اکنون بیش از یک ماه از روند ثبت نام رأی‌دهنده‌گان می‌گذرد، اما هیچ حزبی از این روند نظارت نکرده است. بیشتر احزاب در افغانستان خود شان را میلیونی خطاب می‌کنند؛ ولی در عمل برابر یک فرد عادی سیاسی موثریتی در توسعه سیاسی جامعه ندارند.

**ملک ستیز**



به کی باید رأی نداد؟  
به آنی که:  
۱. قدرت تحلیل ندارد.  
کسی که قدرت تحلیل را ندارد، سیاست‌مدار نیست. رفتن او به لایه‌های رهبری قدرت، شکننده‌گی به بار می‌آورد.  
۲. ظرفیت برنامه‌ریزی را ندارد. کسی که گپ‌های تکراری بگوید و نتواند برنامه‌ی برای بهبود بریزد، سزاوار رسیدن به لایه‌های رهبری قدرت نیست.  
۳. ظرفیت نماینده‌گی را ندارد.  
آنی که با استفاده از رأی مردم به قدرت می‌رسد و منبع قدرت که اراده مردم است را فراموش می‌کند، یک دروغگوی محض است، نه یک سیاست‌مدار متعهد.  
۴. ظرفیت سخن‌رانی و استدلال را ندارد. چنین انسان‌ها که در ساختارهای رهبری و مدیریتی راه می‌یابند و به سان بوم‌های شب‌گرد خموش و نفع بردار هستند، نباید به رهبری راه یابند.  
۵. ظرفیت دادخواهی را ندارد. نماینده مردم باید یک دادخواه مسلکی باشد. اگر او چنین ظرفیتی را ندارد، جایی برایش در رهبری قدرت سیاسی نیست.



# «جنایت هولناک»

**کمال الدین حامد**

دیگران، غم‌شریکی دیگران، محکوم کردن دیگران و غوغای دیگران، نشانه پیروزی حق و بی‌چاره‌گی باطل دانسته می‌شود. ذبح یک انسان توسط یک طفل ده یا دوازده ساله، نشان می‌دهد که «جاهلیت جدید» تا چه اندازه بر حیات اجتماعی مردم و زنده‌گی مردم و تمدن امروزی عقده‌مند است و عطش آن با قتل ساده اشباع نمی‌گردد تا اینکه با دست یک طفل انسان دیگری را ذبح می‌کنند.  
عراق در آستانه این بحران قرار گرفت، ولی با برخورد قاطع و کوبنده دولت و تصمیم قاطع مردم و علمای آنجا، بحران جاهلیت جدید را مهار کردند. گرچه سروصدای زیادی از سوی کشورهای که نفع شان در بحران «جاهلیت جدید» می‌باشد، در برابر عراق صورت گرفت و بارها غوغا کردند که فلانی مذهب در خطر است و فلانی قوم نابود می‌شود و...، اما نظام عراق کار خود را کرد و وضعیت را به گونه در آورد که امروز نسبت به هر زمان دیگری، ائتلاف‌های سیاسی عراق متشکل از تمام مذاهب و گروه‌های فکری است و در انتخابات اشتراک کردند.  
علمای اعلام جامعه ما نیز اگر به شدت با «جاهلیت جدید» که از عنصر «ذهنیت قبیله‌یی» و «تججر دینی» ترکیب یافته است، مبارزه نکنند و این ذهنیت را در نطفه خنثی نسازد، داستان کشتار و فاجعه‌آفرینی این ذهنیت تحت عنوان «اسلام ناب» و یا «فهم صحیح» از اسلام، ادامه می‌یابد و با یک فتوای ساده، فهم دیگران را «ناصحیح» و ذهنیت خود را «صحیح» دانسته و فهرست واجب‌القتل‌های خود را طولانی می‌کنند تا بازوی اجرایی «جاهلیت جدید»، مردم را از دم تیغ بگذرانند.  
برای تمام شهدای ننگرهار بهشت برین و برای زخمیان شفای عاجل از پروردگار بزرگ خواهانیم.

این ذهنیت بسیار سخت می‌گردد و شما دیده اید که «اسلام‌گراترین» شخصیت نیز که یک وقتی دم از «حکومت ناب اسلامی» می‌زد، به «قلعه» ذهنیت قبیله‌یی پناه می‌برد و از آن برای پیشرفت کارش استمداد می‌جوید.  
عنصر دوم که «تججر دینی» است نیز از خود در برابر تجدید اندیشه دفاع می‌کند. به این معنا که متججرترین شخص، طبل شدیدترین نوع دین‌داری می‌کوبد و به مفهوم دیگر، درحالی که احکام دینی در اسلام مبتنی بر «حکمت‌ها» و فلسفه‌های واقعی و اجتماعی زنده‌گی است و در کشور ما این احکام بر دیوار «جهل مرکب» بنا یافته است که هر نوع تیوری متفاوت و یا اندیشه درون‌دینی مغایر با خود را قبل از این‌که وارد تبادیل نظر منطقی شود، دفع می‌کند و آن را بی‌دینی، غرب‌زده‌گی، بی‌خبری و... می‌داند.  
در نتیجه، به هراندازه‌یی که وضعیت پیرامونی ما در حوزه دینی و سیاسی متحول می‌شود، لایه دفاع از ذهنیت قبیله‌یی و تججر دینی به صورت خودکار ضخیم شده و در برابر تحول و تجدد، واکنش خشم‌گینانه نشان می‌دهد. این واکنش فهرست طولانی را احتوا می‌کند؛ از انفلاق دادن یک «زیارت» تا ذبح یک «خبرنگار»، از انفجار «یک فروشگاه» تا ترور یک «صوفی» حین ادای نماز، از تیرباران کردن «حامل یک کارت بانکی» تا به رگبار بستن یک «عالم دینی» متهم به درباری بودن، از سرمین پراندن چند تا «دهقان» تا قطع آلت تناسلی یک «رأی دهنده» و از فتوا و قتل عام یک «مذهب فقهی» تا کشتار حاضرین یک «بازی کرکت».  
غم‌شریکی و به رخ کشیدن فاجعه بر عنصر «ذهنیت قبیله‌یی» و «تججر دینی» تأثیر نمی‌کند، چون این دو عنصر، هرگونه تحلیل و نقد عملکرد مبتنی بر خود را نیز بی‌غیرتی، سکولاریته و غیردینی می‌داند، لذا گریه

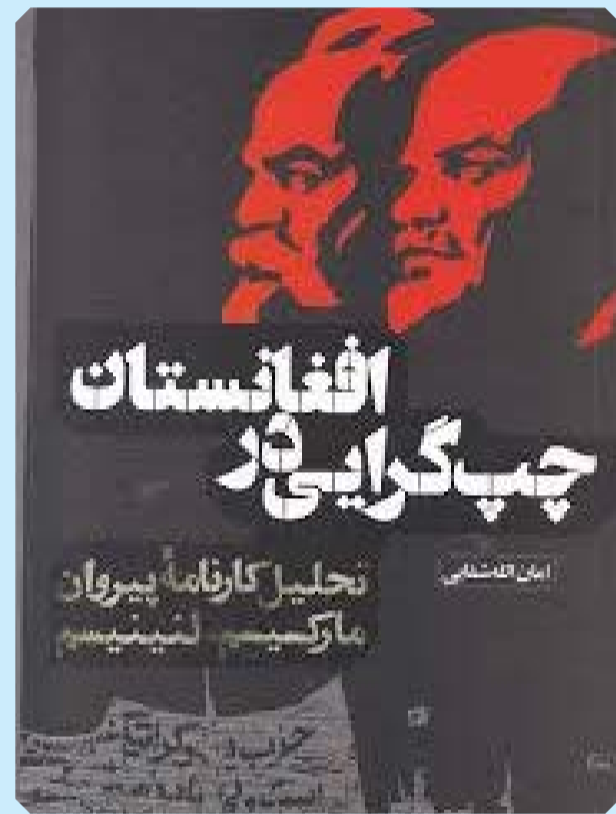
در صفحات اجتماعی دیدم که در یک میدان کرکت در ننگرهار انفجاری صورت گرفته و سبب شهید و زخمی شدن حدود ۴۰ نفر از هموطنان ما گردیده است. این فاجعه پرسش‌های جدی را که پیش می‌کشد، این است که آیا افغانستان وارد جنگ فرقه در ابعاد مختلف شده است؟ ریشه نظری این نوع وحشت کجاست؟ ما در حال تجربه تفتیش عقاید قرون وسطی اروپا از نوع وحشیانه آن هستیم؟  
ظاهراً کشور ما در حال تجربه یک جنگ جدید است. این جنگ در برابر نیروهای خارجی نیست، در برابر مداخلات خارجی هم نیست و در برابر نیروهای دولتی صرف هم نیست؛ بلکه در برابر همه آنچه نشانه تمدن امروزی را با خود دارد، است.  
در برابر رسانه‌ها تحت عنوان «مزدور» آن‌طوری که برخی سیاست‌مداران عنوان می‌کنند. در برابر هنجارهای اجتماعی جدید مانند تجلیل‌ها و مراسم‌ها تحت عنوان «بدعت»؛ تنها با این تفاوت که نه تنها اهل بدعت را، بلکه همه را باید کشت. در برابر پیشرفت علمی تحت عنوان «سکولاریسم» با این ضمیمه که «سکولاریته» معادل «کفر» دانسته شود. در برابر عقلانیت تحت عنوان «بی‌دینی»، در برابر هر تحول نو و مدرنیته تحت عنوان «یهودیت و نصرانیت» و در برابر هرچه که نشانه از منطق انسانی داشته باشد.  
این وضعیت ذهنی (ما این نوع اندیشه را تفکر نمی‌نامیم چون به دور از اندیشه است)، فرزند ناخلف «جاهلیت جدید» است که ترکیب یافته از دو عنصر؛ «ذهنیت قبیله‌یی» و «تججر دینی» می‌باشد.  
این دو عنصر، حصار تحول‌ناپذیری خود را خودشان تولید می‌کند، چون ذهنیت قبیله‌یی هرآنچه را که در عرف قبیله نباشد، نوعی بی‌غیرتی و بی‌حیایی می‌داند و توسط حصار غیرت و حیا، از «ذهنیت قبیله‌یی» خود دفاع می‌کند و این‌جا است که تحول

# Mandegar

## چپ گرای

### در افغانستان

هارون مجیدی



این کتاب در یازده فصل و ۳۶۳ برگ، از سوی بنیاد اندیشه در زمستان ۱۳۹۶ خورشیدی نشر شده است. ویراستار آن حسین حیدر بیگی می باشد و کار صفحه‌آرایی و طرح جلد آن را هادی مروج انجام داده است.

کتاب چپ‌گرایی در افغانستان، تحلیل کارنامه پیروان مارکسیسم-لنینیسم را در بر دارد و برای نخستین بار به بررسی کارنامه عملی و باوری سازمان‌های چپ کشور پرداخته است. امان‌الله شغایی در این کتاب کارنامه جریان‌های چپ‌گرا به‌ویژه حزب دموکراتیک خلق را از نزدیک و در چارچوب مارکسیسم-لنینیسم مورد تحلیل، ارزیابی و نقد قرار داده است.

برگ‌های نخست این کتاب با نقل گفته‌ی از نورمحمد تره‌کی، نخستین رئیس‌جمهور کمونیستی آغاز می‌شود که در آن نا پخته‌گی و شتاب‌زده‌گی اعضای حزب دموکراتیک خلق را از انقلاب می‌رساند. تره‌کی گفته بود: همان طور که پدر به بچه اش پول می‌دهد و می‌گوید برو از دکان سگرت بیاور، من هم به رفقایم گفتم: بچه بروید و انقلاب کنید! آقای شغایی در مقدمه کتاب «چپ‌گرایی در افغانستان» گفته است: نزدیک به نیم قرن از ظهور و حضور چپ‌گرایی در افغانستان می‌گذرد و این جریان، تاریخ پرفراز و نشیبی دارد. چپ‌گرایان در افغانستان زمانی که نیروهای معارض حکومت سر و شکل نظام یافته‌ی نداشتند، نخستین جریان‌ات سازمان یافته را ایجاد کردند.

آقای شغایی در ادامه مقدمه یادآور شده است: چپ‌گرایان افغانستان دارای اندیشه‌ها و ایدئولوژی مدون؛ اما به‌ظاهر بیگانه و ناشناخته‌ی بودند که غالباً با استراتژی انقلابی به دنبال تحقق مارکسیسم-لنینیسم؛

انجام کارهای پژوهشی و علمی پیرامون تحولات سیاسی و تاریخی و جریان‌های فعال، تصمیم‌گیر و اثرگذار در تاریخ معاصر افغانستان، کم رنگ بوده است. در کنار نبود نهادهای مشخصی برای انجام این‌گونه کارها، افراد کمتری علاقه نشان می‌دهند و فرصت می‌گذارند تا در این زمینه‌ها کار کردند تا گواه تاریخ نویسی علمی و بی‌طرفانه باشیم و حکومت‌گراان تازه دم با عبرت‌گیری از حوادث واقعی و واکاوی جریان‌های اثربخش به تکرار ناکامی‌ها نپردازند.

یکی از تحولات مهم تاریخ نیم سده پسین افغانستان حضور و عمل کرد جریان‌های چپ در افغانستان است که پیرامون فعالیت و فعالیت این جریان‌ها کارهای در حد وقایع‌نگاری و یادداشت‌های روزنامه‌ی انجام شده، اما نگاه پژوهشی و استوار بر اصول علمی در این زمینه انجام نشده و یا هم چشم‌گیر نبوده است.

سلطان‌علی کشتمند، خاطرات سیاسی جنرال قادر به کوشش عبدالقادر آرزو، دستگیر پنجشیری، اکرام اندیشمند، احمدزی، نبی عظیمی، اولویه روا، میرصاحب کاروال، میر یعقوب مشعوف و... نام‌های هستند که کارهای از بهر معرفی، بیان خاطرات، چگونه‌گی شکل‌گیری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت‌گری این حزب، کتاب چاپ کرده اند.

کتاب «چپ‌گرایی در افغانستان» برای مکمل ساختن این کار و یا آغازی برای انجام تلاش‌های گسترده در این زمینه نگاشته شده و امان‌الله شغایی نویسنده این پژوهش، تلاش کرده به‌گونه روش‌مند و پژوهشی این کار را به سرانجام برساند.

مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم و یا مارکسیسم-اسلامیسم در افغانستان بودند. چپ‌گرایان در نیمه دوم قرن بیستم فضای سیاسی و اجتماعی کشور را در طیف‌های مختلفی در نوردیدند تا آنجا که نخله‌ی از آنان موفق شد قدرت را به دست گرفته و بیش از دو دهه به عنوان بازی‌گر اصلی سیاست داخلی شناخته شود.

این کتاب در یازده فصل ارائه شده است. فصل نخست آن شامل چارچوب نظری می‌باشد و فصل‌های دیگر، زمینه‌ها، روند تکوین و گونه‌های چپ‌گرایی در افغانستان، باورها و شعارهای، ساختار و سازمان، نیروها و ابزار تاکتیک‌ها، ساختار و روابط و سیاست خارجی و پیش قدرت، روابط و سیاست خارجی و چالش‌های چپ‌گرایان و چپ‌گرایی در افغانستان را به بررسی گرفته است. این کتاب بحث «به سوی ورشکسته‌گی» به پایان می‌رسد.

امان‌الله شغایی در این پژوهش، چپ‌گرایی را به ورشکسته‌گی محکوم کرده است. در این کتاب، ضد انقلاب، رقابت‌های درونی، نداشتن مشروعیت و ساختار اجتماعی افغانستان، از عمده چالش‌های جریان چپ در کشور گفته شده است. آقای شغایی برای نخستین بار با رویکرد پژوهشی توانسته انجام کاری در زمینه چپ‌گرایی در افغانستان موفقانه به در شود. او در این پژوهش با رعایت اصول پژوهشی و بی‌طرفی، اسناد، مدارک و منابع بی‌شماری را ورق زده و این پژوهش را به انجام رسانده است.

اگر شکست و ریخت‌های ویرایشی و حروف‌چینی این اثر را نادیده بگیریم، کتاب چپ‌گرایی در افغانستان، با طرح جلد و صفحه‌آرایی مرغوبی به نشر رسیده است.

## روند قانونی تشکیل

### دولت در عراق و احتمالات موجود



کرسی‌های پارلمانی را به دست آورده‌اند: لیست سائرون (مقتدی صدر) ۵۴ کرسی، «شیعه»

لیست الفتح المبین (هادی العامری) ۴۷ کرسی، «شیعه»  
ائتلاف النصر (حیدر العبادی) ۴۲ کرسی، «شیعه»  
ائتلاف «دولة قانون» (نوری مالکی) ۲۶ کرسی، «شیعه»  
«حزب دموکرات کردستان» (مسعود بارزانی) ۲۵ کرسی، «کرد»

ائتلاف «الوطنیه» (آباد علاوی) ۲۱ کرسی، «سکولار»  
جریان الحکمة (عمار حکیم) ۱۹ کرسی، «شیعه»  
حزب اتحادیه میهنی (طالبانی‌ها) ۱۸ کرسی، «کرد»  
ائتلاف «القرار» (اسامه التجیفی) ۱۱ کرسی، «سنی».

میان جریان‌های شیعی، سنی‌ها و کردها توزیع شود. با این احتساب و با توجه به کرسی‌های هر یک از ائتلاف‌های حاضر در انتخابات عراق، هیچ یک از جریان‌های شیعی به تنهایی و حتی ائتلاف دوگانه نمی‌توانند فراکسیون اکثریت را تشکیل دهند و نیازمند حمایت کردها و جریان‌های سنی نیز هستند (با توجه به اینکه ائتلاف برخی جریان‌های شیعی با هم تقریباً غیر ممکن است). کردها هم اگر به دنبال دست‌یابی به پست ریاست‌جمهوری باشند ناگزیر هستند که از نماینده شیعیان برای نخست‌وزیری حمایت کنند و سنی‌ها نیز برای تکیه بر کرسی ریاست پارلمان، باید رای موافق کردها و شیعیان را پشت خود داشته باشند. جریان‌های سیاسی عمده در عراق که بیشترین

رییس پارلمان و نیز تشکیل دولت ضروری است. یک- این فراکسیون اکثریت پارلمان (فراکسیونی که بتواند ۱۶۴+۱ کرسی‌های پارلمانی را از آن خود کند) خواهد بود که از سوی رییس‌جمهور مسئول معرفی نخست‌وزیر و تشکیل دولت خواهد بود نه ائتلاف یا فهرست پیروز در انتخابات. اصولاً فراکسیون‌های پارلمانی پس از رسمیت یافتن پارلمان جدید و برگزاری جلسات رسمی آن معرفی خواهند شد و هر یک از جریان‌های حاضر در انتخابات که بتوانند دیگر گروه‌ها را با خود همراه کرده و فراکسیون اکثریت را تشکیل دهند، طبیعتاً نخست‌وزیر آتی عراق را نیز معرفی خواهند کرد.

دو- مسبق به سابقه است که دولت در عراق توسط ائتلاف پیروز در انتخابات، تشکیل نشود و فراکسیونی متشکل از دیگر ائتلاف‌ها که پس از آغاز به کار پارلمان تشکیل شد، معرفی دولت آتی عراق را بر عهده بگیرد. همانند انتخابات سال ۲۰۱۰ که با وجود اینکه ائتلاف «العراقیه» به رهبری ایاد علاوی ۹۱ کرسی پارلمان را به دست آورد اما این ائتلاف دوم یعنی ائتلاف «دولت قانون» نوری مالکی با ۸۹ کرسی بود که توانست با «ائتلاف ملی عراق» به ریاست ابراهیم الجعفری (۷۰ کرسی) و برخی دیگر از جریان‌های شیعی و مستقل، فراکسیون اکثریت پارلمان را تشکیل دهد و مسئول تشکیل دولت شود.

سه- انتخاب رییس‌جمهور عراق نیازمند رای دو سوم نمایندگان پارلمان است و رییس پارلمان نیز باید رای موافق اکثریت مطلق پارلمان را کسب کند که این خود به این معناست که هیچ یک از ائتلاف‌های حاضر در انتخابات به تنهایی آرای لازم برای تعیین این دو مقام عالی کشور را ندارند و ناگزیر به توافق با دیگر جریان‌های سیاسی هستند. به عبارت ساده‌تر نیازمندی این دو پست مهم دولتی به آرای بالای نمایندگان پارلمان، باعث می‌شود که همه جریان‌های سیاسی عراق به نوعی با هم کنار بیایند تا سه پست نخست‌وزیری، ریاست‌جمهوری و ریاست پارلمان در

نتایج رسمی انتخابات پارلمانی عراق بالاخره پس از گذشت یک هفته از پایان رای‌گیری، اعلام شد و ائتلاف «السائرون» مقتدی صدر از دیگر ائتلاف‌های حاضر در رقابت‌ها پیش افتاد، اما این پیش افتادن لزوماً به معنای تشکیل دولت آتی عراق توسط صدر نیست و بر اساس قانون اساسی عراق، این «فراکسیون اکثریت پارلمان» خواهد بود که دولت را تشکیل می‌دهد. به گزارش ایسنا، براساس قانون اساسی عراق دولت این کشور باید ظرف ۹۰ روز از اعلام نتایج رسمی انتخابات تشکیل شود و تسلسل زمانی آن به این شرح است:

پس از اعلام نتایج رسمی توسط کمیسیون عالی انتخابات، رییس‌جمهور عراق (فواد معصوم) خواهان تشکیل جلسه پارلمان جدید ظرف ۱۵ روز خواهد شد؛ اعضای پارلمان عراق در اولین جلسه باید رییس پارلمان و دو معاون او را با رای اکثریت اعضا انتخاب کنند. (رییس اولین جلسه پارلمان رییس سنی خواهد بود)؛

پارلمان جدید باید ظرف ۳۰ روز از برگزاری جلسه اول، رییس‌جمهور جدیدی برای عراق تعیین کند؛

رییس‌جمهور جدید فراکسیون اکثریت پارلمان را مسئول معرفی نخست‌وزیر و تشکیل کابینه خواهد کرد؛ نخست‌وزیر مکلف ۳۰ روز فرصت خواهد داشت تا دولت خود را به پارلمان معرفی کند و موافقت نمایندگان را بگیرد؛

پارلمان باید با برنامه کلی دولت جدید و نیز هر یک از وزرا با اکثریت آرا موافقت کند؛

در صورت شکست نخست‌وزیر در تشکیل دولت ظرف ۳۰ روز، رییس‌جمهور نامزد دیگری را معرفی خواهد کرد که او باید ظرف ۱۵ روز و تا پایان مهلت ۹۰ روزه تشکیل دولت جدید، کابینه خود را معرفی کند.

آنچه که گفته شد تسلسل زمانی تشکیل دولت بر اساس قانون اساسی عراق است که ذکر چند مورد درباره آن و نیز چگونگی انتخاب رییس‌جمهور و